

## مصائب سالمندی و عقوبت مهر به نامهربانان

پیری، سرنوشت محتوم انسان است؛ آینده‌ای که هر روز مقابل دیدگانمان قرار دارد اما بسیاریمان چشم بر آن می‌بندیم و عبور می‌کنیم؛



ایسنا/فارس پیری، سرنوشت محتوم انسان است؛ آینده‌ای که هر روز مقابل دیدگانمان قرار دارد اما بسیاریمان چشم بر آن می‌بندیم و عبور می‌کنیم؛ این روزها شمار کسانی که پاسخ مهر والدین را با نامهربانی می‌دهند و عقوبتی سخت برای سالمندان رقم می‌زنند، زیاد شده است؛ دختران و پسرانی که شاید باورهایشان رنگ دیگری خورده! انگار به فردایی که پیش روی خود ترسیم می‌کنند، باور ندارند.

هر روز بر شمار کشورهاییکه جمعیت آنها، به سمت پیری مسیری سرازیری را طی می‌کند، افزوده می‌شود؛ ایران هم یکی از این دسته کشورهاست؛ ایرانی که زمانی جامعه‌ای جوان داشت، به هر دلیل طی ۳ دهه گذشته، کاهش ازدواج و تعداد فرزندان را تجربه کرد تا با کمک مهاجرت جوانان نخبه، به نقطه کنونی برسد؛ جایی که شمار افراد میانسال و کهنسال، روز به روز بیشتر از جوانان شده و این فاصله سنی، فاصله ارتباطی عمیقی نیز ایجاد کند.

جامعه سالمند، یکی از مخاطراتی است که طی حداقل یک دهه گذشته بارها و بارها توسط کارشناسان مسائل اجتماعی و بهداشتی، به مسئولان گوشزد و عوارض و عواقب ناشی از آن به تکرار واگویی شده است؛ اما هنوز تا رسیدن به سطحی از خدمات که متناسب با چنین جامعه‌ای باشد، حتی در بُعد نگاه انسانی و اجتماعی و تفکر فردی، فاصله داریم. امروز به شدت نیازمند آن هستیم که ابتدا باورمان بیاید جمعیت میانسال و کهنسال کشور به شدت رو به تزاید است و مسائل و مشکلات خاص سنین کهنسالی باید با نگاه ویژه تری مورد توجه کارشناسان امور رفاهی و اجتماعی، بهداشتی و بخش سلامت جسمی و روحی و روانی جامعه قرار بگیرد.

به گزارش ایسنا؛ طی این سال‌ها، بر تعداد خانه‌ها و مراکز نگهداری سالمندان و همچنین سالخوردگانی که به دلایل گوناگون، بی سرپناه و بی مال و منال برای گذراندن دوران کهنسالی و همه دشواری‌های ناشی از آن شده‌اند، اضافه شده است؛ جدای از سالمندانی که در واقع تنها هستند و شاید بهترین راه برای آنها، جایگاهی با هم سن و سالانشان باشد، هستند مادران و پدرانی که از بد روزگار و با وجود آنکه همه مهربانی و داشته‌های مادی و معنویشان را پای نهالهایی ریخته‌اند که حالا حتی سایه را از سرشان دریغ می‌کنند، چه رسد به اینکه برایشان ثمری داشته باشند. این گزارش، از یک دریچه به یکی از مشکلات جامعه کهنسال پرداخته است، مبحثی که اگر نادیده انگاشته شود، قطعاً هزینه‌های سربار آن برای کل جامعه، بسیار سنگین خواهد بود، موضوعی که مقابله با آن نیازمند پذیرش مسئله، برنامه ریزی و ارتقاء آگاهی‌ها است.

### وقتی مهر مادری باعث بی مهری روزگار می‌شود!

زن؛ فرتوت در گوشه‌ای نشسته و نگاه خسته‌اش در نقطه‌ای ثابت مانده بود؛ آنقدرها پیر نبود که ناتوان باشد، اما روزگار کمرش را خم کرده و نامهربانی فرزندان که همه جان پای نهالشان ریخته بود، زودتر از آنچه باید، زمین‌گیرش ساخته بود. نیمه دوم دهه هفتاد زندگی را سپری می‌کرد، با خاطره دختری که زود از دستش داده بود و پسرهایی که به اسم محبت به مادر! دارایی پدر فوت شده، حتی خانه و سرپناه را برده بودند و او را بی کاشانه، نیازمند دیگران کرده بودند. پیرزن، حالا که چشم‌هایش دیگر اشکی برای ریختن نداشت؛ پی‌گوشی شنوا بود تا حرف‌های مانده بر دل را به زبان بیاورد، از دخترش گفت که در نوجوانی فوت کرد و از پسرهایی که به بهانه آنکه "خوبیت ندارد مادرشان تنها در یک خانه زندگی کند" همه دارایی پدرشان و سهم مادرشان را چوب حراج زدند و حالا او مانده، بدون سرپناه، بدون مستمری، بدون همراه و .... او با بغضی که ارتعاش صدای غم‌خواهش را در عمق وجود شنونده می‌کاشت، گفت: امروز و در روزهای آخر عمر، بعد از سالها زندگی با عزت، گدای پرستاری هستم که به جای فرزند و نوه، کنارم باشد، غذایی برایم فراهم کند، تکیه گاهم شود؛ و جایی که سرپناهم باشد....

به گزارش ایسنا، پیری جمعیت کشور وقتی با بی‌محبتی و منفعت‌طلبی برخی فرزندان همراه شود، می‌تواند مشکلات عدیده‌ای را برای والدین کهنسال ایجاد کند، مسائلی که راهکار پیشگیری از آنها آموزش مفاهیم حقوقی به افراد است؛ مبحثی که باید از سوی جوامع مرتبط، به شکلی جدی مد نظر قرار گیرد تا از ایجاد هزینه برای جامعه جلوگیری شود.

در میان این شهر، موارد بسیاری را می‌توان یافت که علت بی‌خانمانی، سرگردانی، بی‌پناهی و سردرگمی آنان در ایام سالخوردگی و ناتوانی، بی‌نصیب ماندن آنان از مهریست که زمانی خودشان با تمام وجود نثار فرزندان‌شان کردند بی‌آنکه احتمالی برای تنها ماندنشان، بی‌کسی، بی‌پناهی در نظر گرفته باشند.

شمار کسانی که به واسطه محبت نسبت به فرزندان، همه دارائی و اموالشان را بی‌دریغ، نثار آنان می‌کنند و در سال‌های سخت پیری و کهنسالی، دست‌های خالی‌شان، از محبت فرزند بی‌نصیب می‌ماند، در جامعه امروز کم نیست و این موضوع اهمیت ارائه آگاهی‌هایی حقوقی به میانسالان را بیش از پیش نمایان می‌کند.

بررسی‌های خبرنگار ایسنا، وجود موارد مشابه در شیراز و فارس را که به واسطه اعتماد کامل به فرزندان، همه دارائیشان را در

اختیار آنان قرار داده اند و اکنون خود بی پناه مانده اند را اثبات کرد. مواردی که پدر خانواده یا مادر خانواده بعد از فوت همسرش، برای فروش دارائی‌ها اعم از خانه و ملک با هدف کمک به فرزندان رضایت داده و اکنون خود بی خانمان شده بود. به گزارش ایسنا، موارد زیادی هم وجود دارد که پدر خانواده قبل از مرگ، دارائی‌های خود نظیر خانه را به نام همسرش کرده یا از راهکارهای قانونی نظیر صلح مشروط، بهره برده بود؛ راهکارهایی که مشکل زنان بیوه سالمند را بعد از فوت همسرانشان، بسیار کم می‌کند.

یک کارشناس حقوقی در خصوص علت مواجهه افراد سالمند به ویژه زنان بیوه سالخورده با چنین مشکلاتی و راهکارهای پیشگیری از آن، گفت: علت بروز این مشکلات برای مادران در خانواده‌ها را می‌توان در سه مبحث جست‌وجو کرد. اول بی‌تدبیری پدر خانواده، دوم منفعت‌طلبی برخی از فرزندان و سوم هم، مهر و عاطفه پدر و مادری و اعتماد والدین به صحبت‌ها و وعده و وعیدهای فرزندان.

فاطمه منصورزاده که با صبوری به همه آنچه ماحصل مشاهدات و بررسی‌هایم پیرامون مشکلات حقوقی سالمندان بود، گوش داد، افزود: در برخی موارد پدر خانواده با درایت و دوراندیشی منزل را به نام همسر خود می‌کند که بعد از فوت خودش، مشکلی برای همسر پیش نیاید و یا اینکه منزل را با عقد صلح مشروط یا اصطلاحاً صلح عمرا، به نام فرزندان می‌کند تا مادام که خودش یا مادر خانواده در قید حیات است، فرزندان اجازه فروش منزل را نداشته باشند و معمولاً در این موارد خود مادران هستند که با ساده دلی اجازه فروش منزل را به فرزندان می‌دهند و بعد دچار مشکل می‌گردند.

این کارشناس مسائل حقوقی همچنین اضافه کرد: در برخی اوقات هم متأسفانه پدر خانواده یا به علت مرگ ناگهانی و یا به دلایل دیگر وصیت‌نامه‌ای به نفع همسر خود ندارد و اگر فرزندان منفعت‌طلبی داشته باشد، مادر با سهم الارث خودش برای گذران مابقی عمر خود به مشکل برمی‌خورد.

این کارشناس خطاب به همه مردان خانواده سفارش کرد که طبق موازین شرعی، حتماً وصیت‌نامه تنظیم کرده و به حکم یک عمر همراهی و زندگی مشترک همسرشان، برای زمان بعد از فوت خود، شرایط را طوری مهیا کنند که مادر خانواده دچار مشکل نشود و بتواند تا آخر عمر در منزل مشترک، گذران زندگی کند.

وی بهترین راه‌چاره برای پیشگیری از این مشکل را صلح مشروط و صلح عمرای منزل توسط والدین بیان کرد که فرزندان تا زمان زنده بودن آنها، اجازه فروش منزل را نداشته باشند و همچنین به مادران هم سفارش کرد که با وجود مهر و عاطفه مادری که معمولاً بی‌چشمداشت و بی‌دریغ است، همیشه در مقابل خواسته فرزندان کوتاه نیایند و دوراندیشی و تدبیر و همچنین مشورت با مشاوران مسائل حقوقی را فراموش نکنند و تأکید نمود که بر خلاف والدین که همیشه به فرزندان محبت و رحمت دارند، فرزندان معمولاً رحمی به والدین ندارند.

منصورزاده، کارشناس مسائل حقوقی به فرزندان توصیه کرد که احترام و حرمت والدین را حفظ کنند و با منفعت‌طلبی باعث آزردن خاطر ساختن آنها نشوند.

به گزارش ایسنا، جامعه سالمند، قطعاً نیازمند الزاماتی در همه ابعاد است؛ یکی از این الزامات، توجه به ارتقاء دانش و آگاهی‌های فردی اعضای جامعه نسبت به حقوق سالمندان و اشراف افراد سالمند نسبت به حقوق خودشان است.